

جشن شب یلدا، جشن پیروزی نور بر تاریکی!

شب یلدا، طولانی ترین شب سال یا آخرین شب پائیز (مطابق ۲۱ دسمبر سال عیسوی) است. ایرانیان تاهنوز شب یلدا را جشن می گیرند. به باور پارسیان، شب یلدا، شب تولد خورشید یا شب پیروزی نور بر تاریکی و ظلمت است. ایرانیان بطور عموم این شب را با افروختن شمع و آتش و خوردن انار و هندوانه و چهار مغز و هسته زردآلو و گفتن حکایات دلپذیر و شوخی های با مزه جشن میگیرند و به شادمانی و خوشی می پردازند و معتقد اند که خوردن این میوه ها بیماری را از تن شان تا بهار آینده بدور میدارد.

این رسم نیز از بقای آئین میترائی یا خورشید پرستی است که به رنگ و صبغه خاص تاکنون در میان ایرانیان بجا آورده میشود. ایرانیان قدیم روز فردای شب یلدا یعنی اول «دی» را نیز جشن می گرفتند و آن را «خرم روز» می نامیدند. برای پاسخ به این پرسش که چرا پس از نوروز تنها آئین شب یلدا، همچنان به قوت خود باقی مانده است، هیچ سرچشمه معتبر تاریخی بجز نوشته های ابوریحان بیرونی و هم عصرش گردیزی درین خصوص مارا یاری نمی رساند. گردیزی در زین الاخبار، زیر عنوان «اندر شرح جشنها و عیدهای مغان» مینویسد: «مر مغان را جشن های فراوان بوده است اندر روزگار قدیم و من آنچه یافتم، این جا بیاورم» و سپس در باره نخستین روز دی و جشن «دیگان» میگوید: «اندرین روز جشن خرم روز بود. و این ماه دی به نزدیک مغان ماه خدای است و اول روز او را هم به نام او خوانند، و این روز را سخت مبارک دانند.»^۱

ابوریحان بیرونی داستان جالبی از مراسم «خرم روز» (جشن اول دی) می آورد که هیچ مورخی نمیتواند از کنار آن به سادگی بگذرد. و آن اینکه: «دیماه و آن را خورماه نیز میگویند، نخستین روز آن خرم روز است. و این روز و ماه هر دو به نام خدای تعالی، که هر مزد است، نامیده شده. یعنی پادشاه حکیم و صائب رائی آفریدگار. و درین روز عادت ایرانیان چنین بود که، پادشاه از تخت شاهی به زیرمی آمد و جامه سپید می پوشید و در بیابان بر فرش های سپید می نشست و دربان ها و یساولان و قراولان راکه هیبت ملک بدان هاست، بکنار می راند. و در امور دنیا فارغ البال نظر مینمود و هرکس که نیازمند میشد که با پادشاه سخن بگوید، خواه گدا باشد، یا دارا و شریف باشد یا ضعیف، بدون هیچ حاجب و دربانى به نزد شاه می رفت و بدون هیچ مانعی با او گفتگو میکرد و در این روز پادشاه با دهقانان و برزیگران مجالست میکرد و در یک سفره با ایشان غذا میخورد و میگفت: من امروز مانند یکی از شما هستم و من با شما برادر هستم، زیرا قوام دنیا به کارهای است که به دست شما می شود و قوام عمارت آن هم به پادشاه است. و نه پادشاه را از رعیت گزیری است و نه رعیت را از پادشاه. و چون حقیقت امر چنین باشد، پس من که پادشاه هستم با شما برزیگران برادر خواهم بود و مانند دو برادر مهربان خواهیم بود. به خصوص که دو برادر مهربان، هوشنگ و دیگر چنین بودند.»^۲

شاید آریائیان از روزیکه با گردش خورشید سال آشنا شده اند، خرم روز دیماه را یکی از روزهای خورشید نامیده اند، زیرا از این روز است که خورشید دوباره به رشد میگذارد و طولانی و طولانی تر میشود.

یک سخنور ایرانی در وصف شب یلدا چه نیکو سروده است:

یلدا شبی به طول تاریخ

تپشهای قلبم را به باور خاطره هایم پیوند میزنم.

وسرزمینی را که همز ادخاک است و کهن تر از تاریخ،

برای نوبوگان خاک و تازه به دوران رسیدگان تاریخ زمزمه میکنم.

زمزمه میکنم که:

من از نسل شب شکنان روزگارم.

من از نسل نور آفرینان پاک

^۱ - بحواله جشنهای آئین برگزاری جشنهای ایرانی، از موبد اردشیر آذرگتسب، بیرونی، آثار الباقیه، ص ۲۹۰ بعد

^۲ - بحواله همان منبع، از موبد اردشیر آذرگتسب، بیرونی، آثار الباقیه، ص ۲۹۵

از سلاله پاک آریائیان بردبارم،
منم میراث هزارساله زمین،
همان از شرق تا غرب گسترده آغوش،
همان پیام آور مهر و دوستی،
همان گرفته درفش آشتی بردوش
نه خود ستیزم، نه دیگر ستیز.^۳

جشن شب یلدا و چارشنبه سوری ریشه میترائی دارند:

شاعر و ادیب نامور ایران احمدشاملو در این خصوص میگوید: " مسیحیت تمامی آداب و آیین‌های مهرپرستی را عیناً تقلید کرده که از آن جمله است آیین غسل تعمید و تقدیس نان و شراب. این را هم اضافه کنم که به اعتقاد کسانی، جشن های ۲۵ دسامبر که بعدها به عنوان سالگرد مسیح جشن گرفته شده ریشه هایش به همین جشن مهرگان می‌رسد. و حالا که صحبت میلاد مسیح به میان آمد، این نکته را هم به طور اختراگذری بگویم که خود ایرانیان میترائی این روز مهرگان را در عین حال روز تولد مِشیا و مشیانه هم می‌دانسته‌اند که همان آدم و حوای اسطوره‌های سامی است، و این نکته در بُندهشن (از کتب مهمی که از اعصار دور برای ما باقی مانده) آمده است. البته این‌جا مطالب بسیار دیگری هم هست که من ناگزیرم بگذارم و بگذرم، مثلاً این نکته که آیا اصولاً مسیا یا مسایا(مسیح و مسیحا) همان مِشیا هست یا نیست. و نکات دیگری از این قبیل.^۴

در مورد چارشنبه سوری، نیز باید گفت که این جشن نیز ریشه میترائی دارد و هیچ ارتباطی به آداب زرتشتی ندارد. زیرا در آئین زرتشتی، سال به دوازده ماه تقسیم شده و هر ماه به سی روز و هر روز نام خاصی دارد. بدین شرح: ۱ - اورمزد: هستی بخش بزرگ، دانا، نام خداوند، ۲ - بهمن: اندیشه نیک، ۳ - اردیبهشت: بهترین راستی و پاکی، ۴ - شهریور: شهرپاری نیرومند، ۵ - سپندارمزد: فروتنی و مهرپاک، ۶ - خرداد: تندرستی و رسایی، ۷ - امرداد: بی مرگی و جاودانگی، ۸ - دی بآذر: آفریدگار، ۹ - آذر: آتش، ۱۰ - آبان: آبها، هنگام آب، ۱۱ - خیر(خور) آفتاب، خورشید، ۱۲ - ماه: ماه، ۱۳ - تیر: ستاره تیر، ستاره باران، ۱۴ - گش (گوش): جهان، زندگی و هستی، ۱۵ - دی به مهر: آفریدگار، ۱۶ - مهر: دوستی، پیمان، ۱۷ - سروش: فرمانبرداری، ۱۸ - رشن: دادگری، ۱۹ - فروردین: فروهر، روان جاودانه، ۲۰ - ورهرام: پیروزی، ۲۱ - رام: رامش، شادمانی، ۲۲ - باد: باد، ۲۳ - دی به دین: آفریدگار، ۲۴ - دین: بینش درونی (وجدان)، ۲۵ - ارد(اشی): خوشبختی، دارائی و خواسته، ۲۶ - اشناد: راستی، ۲۷ - آسمان: آسمان، ۲۸ - زامیاد: زمین، ۲۹ - مانتره سپند: گفتار نیک، ۳۰ - انارام: فروغ و روشنائی بی پایان.^۵

بنابراین در تقویم زرتشتی روزهای هفته وجود ندارد، تا چهارشنبه ای وجود می‌داشت. از سوی دیگر در نزد زرتشتیان آتش عنصر مقدسی است و پریدن از روی آنرا بی احترامی به آتش تلقی می‌کنند. چون در زبان های هند و اروپائی، خورشید بنامهای «سون، زون، زور، سور و سول» نامیده می‌شود، بنابراین در چهارشنبه آخرسال، میترائیان، به پاس نور و حرارتی که خورشید در طول سال به مردم ارزانی داشته، جشن می‌گرفتند. در تقویم اسلامی چون چهارشنبه روز نحس شمرده می‌شود، پس جشن چارشنبه سوری(خورشید- میتر) را در بعد از ظهر سه شنبه برگزار می‌کردند، بمرور زمان معنی «سور» (خورشید) به جشن و سرور تبدیل شده و مردم بی خبر، هر سنت قبل از اسلام را، به آئین زرتشتی نسبت داده اند. در حالی که سور و سوری برخاسته از نام مهر و خورشید است. و امروز به معنی شادی و جشن نیز بکار می‌رود.

ختم

^۳ - از پیام تبریکی خانم زویا مجد به مناسبت جشن سب یلدا، سال ۲۰۱۳
^۴ - سخنرانی احمدشاملو در دانشگاه برکلی امریکا (ارسالی مسعود فارانی برای من)
^۵ - مجله پژوهش های ایرانی، شماره ۱، صص ۱۰۷، ۱۰۸